

بسم الله الرحمن الرحيم

اجزای داخلی فهم قرآنکریم

نویسنده : عبدالبصیر صهیب صدیقی

تاریخ انتشار : 19.11.2025

دو بعد اساسی داخلی فهم قرآنکریم :

1 - تفسیر قرآنکریم با قرآنکریم

اساسی ترین چیزی که در فهم یک متن به خصوص اهمیت بالا را دارد این است که با در نظر داشت اجزای داخلی آن متن تفسیر برای تحقق فهم دقیق و قابل اعتبار صورت گیرد و این اجزای داخلی عبارتند از:

- واژه شناسی .Philologie.
- صرف و نحو (گرامر)
- ادبیات.
- نحوه تکرار (وضاحت اجمال در تفصیل) یعنی انتقال از حالت پوشیده گی به حالت آشکارگی یا انتقال از امر مخفی به امر مفتوح.

قرآن کریم به این الفاظ خود را می شناساند:

اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَبِهًا مَثَانِي تَفْشَعُرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ
ثُمَّ تَلِينُ جُلُودَهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ
يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۲۳)

ترجمه : (23) - خداوند بهترین سخن را نازل کرده است، کتابی که (آیاتش) متشابه (= همانند یکدیگر، و) مکرر است که از (شنیدن) آن پوستهای کسانی که از پروردگارشان می ترسند، به لرزه می افتد، آنگاه پوستهایشان و دلهایشان با یاد خدا نرم می شود (و آرام می گیرد). این هدایت خداست که هر کس را بخواهد با آن هدایت می کند، و هر کس را که گمراه سازد، پس برای او هیچ هدایت کننده ای نخواهد بود.

قرآن کریم در رابطه با شناسائی خود وضاحت های صریح دارد و این صراحت را هم می توان از واژه (تصریف) فهم کرد.

فهم (تصریف) به معنی گردش دادن یعنی فهم اجمال و تفصیل (تکرار)، آرایش های ادبی متفاوت برای بیان حکمت های قرآن کریم و آیات و نشانه های الله تبارک و تعالی، یک امر واضح و آشکار است.

در یک نگاه دقیق بر قرآن کریم دریافته می شود و به فهم می رسد که تکرار در قرآن کریم یک امر واضح است یعنی اینکه یک موضوع در سوره های متعدد مبارک قرآن کریم تکرر دارد، اما این تکرر یا تکرار اگر با تفکر عمیق بر آن فوکس یا ترکیز شود دریافته می شود که فحوا یا context or tenor با وجودیکه تکرار را تبارز میدهد یکسان نیست. یعنی اینکه ماقبل و مابعد یا سیاق و سباق از هم دیگر متفاوت و مختلف است.

و در این تکرار دریافته می‌شود که اجمال در کدام سیاق و سباق و فحوا است و در کدام مقام تفصیل با کدام لواحق و سیاق و سباق و فحوا و در چه گونه آرایش ادبی و یا امر اعتقادی، اخلاقی و عینیت حقوقی.

یا اینکه این تکرار است که از یک پوشیدگی یک موضوع در یک کانتکست ادبی راه جانب آشکارگی می‌برد. به این مفهوم که یک موضوع از یک نگاه در مقامی پوشیده است و در یک مقام دیگر مفتوح و آشکار.

در یک جا و مقام رخ کلام واضح نیست و نا متعین است و در جای دیگر در تکرار با یک تفصیل ابهام زدوده شده است و رخ کلام متعین شده است و شفاف و روشن شده است.

یک لفظ یا یک واژه در یک آیه مبارکه در ابهام یا پوشیدگی قرار دارد و در یک آیه مبارکه دیگر در یک تکرار ادبی کاملاً مفتوح شده است و از اختفاء بیرون آورده شده است.

برای اینکه قرآنکریم و تعلیمات و حیانی قرآنکریم کاملاً ذهن نشین شوند از این جهت است که با آرایش های ادبی متفاوت تکرار بیان شده است.

شواهد و نظایر قرآنکریم در فهم قرآنکریم رول اساسی خود را دارند.

معانی و حقایق را که قرآنکریم در طرح و برش ادبی خود که مختص به خود اش است بکار برده است حقیقتی آشکاری است که عرب جاهلیت را مات کرد.

2 - فهم قرآنکریم بر اساس سنت و احادیث رسول الله صلی الله علیه و سلم :

سنت مطهر رسول الله صلی الله علیه و سلم در فهم قرآنکریم در انواع و اقسام گوناگون اش در به فهم رسانیدن قرآنکریم نقش و رول عمده و اساسی را دارد و

شایان ذکر و توجه است که این نقش اساسی به سنت مطهر رسول الله صلی الله علیه و سلم را خود قرآنکریم به عنوان وحی مخفی به رسمیت می شناسد. اصطلاحات چون صلوه (نماز) ، صوم (روزه) ، زکوه ، حج که به عنوان تکالیف اعتقادی در قرآنکریم معرفی شده‌اند در سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم تشریح و توضیح خود را دارند.

از جهت دیگر سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم بر اساس اهمیت که از قرآنکریم اخذ می‌کند و به خود اختصاص داده است بر علاوه تشریح و وظیفه تشریحی نیز دارد و این به این مفهوم است که از طریق سنت برخی احکام عام ، خاص می‌شوند یعنی وظیفه تخصیص را سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم به عهده دارد و یا اینکه در برخی موارد یک حکم در قرآنکریم بر اساس سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم نسخ می‌شود یعنی اینکه سنت مطهر رسول الله صلی الله علیه و سلم وظیفه تنسیخ را در برخی موارد بر عهده دارد که این همان موردی است که نزد احناف خیلی برجسته است. پس در یک نگاه متوسع این موارد لازمه فهم قرآنکریم هستند :

- معانی لغات یا واژه‌ها Philologie
- صرف و نحو (Grammer, Sytax)
- شواهد و نظایر.
- رابطه زبان عربی ادبی از لحاظ ادبی با دیگر زبان‌ها
- سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم.
- آثار صحابه رضوان الله تعالی علیهم اجمعین.
- متون معتبر دینی (صحایف و حیانی دیگر).

در یک توضیح بیشتر در رابطه به نقش و رول اساسی سنت در مجموع هم در بعد تشریحی و هم رول تشریحی سنت مطهر رسول الله صلی الله علیه و سلم باید گفت که تشریح و تشریح از وظایف عمده و اساسی پیامبر صلی الله علیه و سلم به حیث نمونه و پیشوا است همانطور که تعلیم دادن کتاب ، یاد دادن حکمت و تزکیه کردن ، قضاوت ، فرمانروائی از وظایف پیامبری و رسالت است.

آنچه با اسناد صحیح توضیحی یا تعریفی در مورد اصطلاحی بخصوصی ثابت شده باشد و یا در عرصه تشریح و قانون گذاری در سنت مطهر رسول الله صلی الله علیه و سلم در زندگی عملی ثابت شده اند قوام و ثبات مفهومی قرآن کریم را ارائه می دهند.

در نهایت انکار از نقش و رول اساسی سنت مطهر رسول الله صلی الله علیه و سلم انسجام تفکر دینی را مختل می سازد و این انکار یک انحراف واضح و آشکار است.

آنچه واضح و آشکار است این است انکار سنت و احادیث مطهر رسول الله صلی الله علیه و سلم قوام معنایی قرآن کریم را برهم می زند و ذهن فاعل شناسائی یا تأویلگزار را بر متعلق شناسائی که همان متن معتبر (قرآن کریم) است ، مسلط می سازد و فهم دلبخواه و بالرأی را شکل می دهد.

بر اساس هوای نفس تغییرات و ترامیم انحرافی شکل می گیرند که بر انکار سنت مطهر رسول الله صلی الله علیه و سلم ابتناء دارند و این یک انحراف واضح و آشکار مترادف به سوء فهم و انکار قرآن کریم است.

اگر منکرین حدیث تواتر و اسناد صحیح الروایه را که اساس انتقال اصطلاحات و حیاتی اسلامی و مفاهیم دینی اسلامی است ، رد می کنند و آنرا

قبول ندارند ، پس دلیلی برای پذیرفتن قرآن کریم و ایمان به آن هم وجود ندارد زیرا نمی‌توان فهم را تنها از واژه‌ها بدست آورد به این مفهوم که تنها اعتماد به لغات نمی‌تواند ضامن یک فهم ایده‌آل در رابطه با متون معتبر دینی باشد و دلایل درستی این ادعا را می‌توان در هرمنیوتیک Hermeneutik فلسفی یافت.

مفهوم نماز و روزه هر معنی که در لغت داشته باشند ، دارند ، اما در دین مبین اسلام آن معانی شان قابل اعتبار است که شارع (الله تعالی و پیامبر صلی الله علیه وسلم) معانی آن‌ها را وضاحت داده‌اند و متعین کرده‌اند.

در راستای اهمیتی که سنت مطهر رسول الله صلی الله علیه و سلم دارد ، ترکیز بر آثار صحابه رضوان الله علیهم اجمعین نیز از لازمه های فهم متون معتبر اسلامی (قرآنکریم و احادیث مطهر رسول الله صلی الله علیه و سلم) محسوب می‌شوند و اهمیت شان آشکار و واضح است.

آثاری که بر سنت مطهر رسول الله ابتناء دارند قابل اعتماد اند و در به فهم رسانیدن تعلیمات و حیانی نقش اساسی خود را دارند.

یعنی از طریق این آثار مبارک است که به درجات فهم واضح می‌رسیم و در زدوده شدن اتهامات تفسیری کمک بسزای می‌کنند.

استناد بر شأن نزول نیز وضاحت فهم را ممکن می‌سازد و مراد از شأن نزول در یک برهه زمانی و در یک مکان حالت و کیفیتی از مردمی است که کلام آن حالت و کیفیت مردم را بیان میدارد و بازتاب میدهد.

این خود سوره‌های مبارکه قرآنکریم هستند که شأن نزول را بازتاب میدهند و بیان میدارند.

با در نظر داشت روایت ها که حاکی از این اند که برخی آیه‌های مبارکه در رابطه با فلان فلان واقعات نازل شده‌اند به این مفهوم میتوان آنرا فهم کرد که در زمان نزول آن سوره مبارکه آن واقعات در زندگی در جریان بوده اند.

علامه سیوطی رحمه الله علیه می‌فرماید: (زر کشی رحمه الله علیه در برهان می‌فرماید که صحابه و تابعین رضی الله عنهم عادت عام برین دارند که می‌فرمایند که فلان آیه مبارکه بر فلان موضوع نازل شده است برداشت و فهم مطلب چنین بوده است که آن آیه مبارکه بر آن حکم مشتمل است ، آن اینگونه نبوده است که بعینیه آن مورد سبب نزول آن آیه مبارکه شده است ، این گویا برآن حکم استدلال از آن آیه مبارکه است ، مقصود نقل واقعه نیست.

شأن نزول یک همزمانی واضح را بین جریان امر واقع و نزول یک آیه مبارکه متعلق به یک سوره مبارکه نشان میدهد به این مفهوم که در همزمانی اندیشیدن به رابطه علی و معلولی عبث و نابکار است.

